وطن امروز
روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش
مدیرمسئول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر: ۱۲:۱۴ غروب آفتاب: ۱۸:۰۹
اذان مغرب: ۱۸:۲۷ نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۲
اذان صبح فردا: ۴:۵۵ طلوع آفتاب: ۶:۱۹

کلام نور

کسی که مزه رنج و سختی را نچشیده
نیکی و احسان در نزد او جایگاهی ندارد.
امام موسی کاظم(ع)

نگاه

دیوید کامرون و ستایش او از «هولوکاست ایرانی»

ادامه از صفحه اول

دوم، استر به‌عنوان یهودی مخفی، بیانگر حضور پنهان شخینا (نماد مؤنث خدا) در جهان و در زندگی یهودیان آواره بود. سوم، استر و عید پوریم بشدت مورد علاقه مارانوهای اسپانیا بود زیرا در او خود را می‌دیدند». مارانوها همان یهودیان مخفی اسپانیا هستند که از سده شانزدهم در اروپا و عثمانی و سایر نقاط جهان پخش شدند. بدین‌سان، «کتاب استر» را می‌توان «کتاب مقدس» یهودیان مخفی خواند.

کتاب استر افسانه است و پوریم جشنی اساطیری، هر چند «ورژن یهودی» آن قساوتی کم‌نظیر را علیه «دشمنان یهود» می‌پراکند. تا اینجا با آقای کامرون مشکل نداریم و ایشان که خود یهودی‌تبار است، حق دارد «پوریم» را به یهودیان تبریک گوید. ولی زمانی که آقای کامرون در سخنرانی روز ۱۲ مارس ۲۰۱۴، در کنست اسرائیل از پیروزی یهودیان بر دشمنان‌شان در «ایران باستان» تجلیل می‌کند، یعنی افسانه استر را واقعیت تاریخی می‌خواند و کشتار گسترده مخالفان یهود در ایران را آنگونه که در کتاب استر توصیف شده، تایید می‌کند. آیا آن رفتاری که در «کتاب استر» علیه «دشمنان یهود» بیان شده که قصاص قبل از جنایت نیز بود، چیزی جز «هولوکاست» است؟

«و یهودیان بر دشمنان خویش استیلا یافتند... ترس ایشان بر همه قومها مستولی شده بود و جمیع رؤسای ولایت‌ها و امیران و والیان و عاملان پادشاه، یهودیان را اعانت کردند زیرا که ترس مردخای بر ایشان مستولی شده بود... پس یهودیان جمیع دشمنان خود را به دم شمشیر زده، کشتند و هلاک کردند و با ایشان هر چه خواستند به عمل آوردند. و یهودیان در دارالسلطنه شوشن ۵۰۰ نفر را به قتل رسانیده هلاک کردند... ده پسر هامان بن همداتای، دشمن یهود را کشتند... و [جسد] ۱۰ پسر هامان را [در شوش] به دار آویختند... در روز چهاردهم ماه اذار نیز جمع شده ۳۰۰ نفر را در شوشن کشتند... و سایر یهودیانی که در ولایت‌های پادشاه بودند... ۷۷ هزار نفر از مبغضان خویش را کشته بودند... در روز چهاردهم ماه آرامی یافتند و آن را روز بزم و شادمانی نگاه داشتند...» (کتاب استر، باب نهم، ۱-۱۷)

وضع بدتر می‌شود زمانی که کامرون، بلافاصله پس از سخنان فوق، حمایت همه‌جانبه خویش را از دولت نتانیاهو و «راه» و روش‌هایی شبیه به آنچه در «کتاب استر» توصیف شده، اعلام می‌کند. کامرون سخنرانی خود را اینگونه به پایان برده است: «شما در این هفته پوریم را جشن می‌گیرید. شما خاطره زمانی را زنده می‌کنید که مردم یهودی در ایران باستان در معرض تهدید نابودی بودند و شما روزی سرشار از شادی را تجربه می‌کنید به یاد راهی [روشی] که مردم یهودی نجات یافتند و به آزادی رسیدند. همه ما در اینجا مشتاق روزی هستیم که مردم یهودی بتوانند در میهن خود آزاد و سالم باشند. می‌دانم که چالش پیش‌رو بزرگ است ولی بزرگ‌تر از آن دوستی‌ای است که من از بریتانیا با خود آورده‌ام... من در اینجا در کنار شما به آینده می‌نگرم. پیام امروز من به شما به‌طور ساده این است: در هر گامی که در این راه برمی‌دارید ما با شما هستیم».

فاطمیه

جای آتش، شمع گر سوسو بگیرد بهتر است
شمع اصلا آتش از یک سو بگیرد بهتر است
باعث زحمت شود اصلا اگر شانه زدن
گاه روزی صورتی را مو بگیرد بهتر است
اینکه می‌خواهد بگوید بهترم این خوب نیست
اتفاقا دست بر زانو بگیرد بهتر است
بی‌تعادل در میان خانه جارو می‌زند
کشتی بی‌بادبان پهلو بگیرد بهتر است
گرچه می‌ارزد به شادی علی این اتفاق
فضه از دستش ولی جارو بگیرد بهتر است
از علی رو را بپوشاند ولی پیش حسن
اتفاقا دست بر بازو بگیرد بهتر است

مهدی رحیمی

■ دریچه

استقلال، چند؟!

■ محمدمهدی تقوی

دیدار «کاترین اشتون» مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی با یک مجرم امنیتی فتنه‌گر که فردی است ضداسلام و ضدانقلاب اسلامی، فضای سیاسی ـ رسانه‌ای کشور را تحت تاثیر قرار داده است. این اقدام اشتون، چند ماه پس از اقدام مشابه «تاریا کرونبرگ» نماینده پارلمان اروپا در ملاقات با ۲ مجرم ضدامنیتی دیگر صورت گرفت. وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات به عنوان ۲ دستگاه مسؤول این ملاقات‌ها از سوی نمایندگان مجلس و رسانه‌ها معرفی شده‌اند. اشتون در حالی راهی تهران شد که در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه گفته بود در «روز جهانی زن» با برخی فعالان به‌اصطلاح جنبش زنان دیدار می‌کند.

اما آیا کسی که به عنوان یک دیپلمات وارد کشور می‌شود، می‌تواند سر خود و بدون دریافت مجوز از نهادی مسؤول، با شخص یا اشخاصی دیدار کند؟ آیا دیپلمات‌های آداب‌دان ما این بدیهی اولیه کار دیپلماسی را که هر کس می‌خواهد به کشوری بیاید برنامه‌هایش باید از قبل اعلام شده و با توافق میزبان باشد، می‌دانند؟ فارغ از این مسائل، افزایش حضور و سفرهای وزرای خارجه کشورهای غربی و مسؤولان مختلف اتحادیه اروپایی که از سوی دولت محترم به‌عنوان حُسن یاد می‌شود، مشکوک هم هست. چه شده که دشمنان نشاندار جمهوری اسلامی که دست ناپاک‌شان به خون پاک جوانان و دانشمندان این مرز و بوم آلوده است، هر روز برای سفر به تهران اعلام آمادگی کرده و اشتیاق نشان می‌دهند؟ آیا قصد آنها از سفر به تهران احیای فتنه و فتنه‌گران مرده نیست؟ چرا پیش از سفر هیأت اروپایی به تهران که آنها آن را مشروط به دیدار با ستوده و پناهی کرده بودند، وزارت امور خارجه ما با عزت و استقلال این پیش‌شرط را رد نکرد؟ چرا وزارت اطلاعات از آن جلوگیری نکرد؟ در سفر اشتون به تهران چرا چنین کاری انجام نشد و به وی که اعلام کرده بود با زنان معلوم‌الحال و نمایندگان غرب‌زده زنان ایران می‌خواهد دیدار کند، هشدار داده نشد که نباید با فتنه‌گران ملاقاتی داشته باشد؟ آیا دولتی که نام اعتدال بر خود نهاده نباید جلوی قبح‌شکنی احیای فتنه‌جویان را بگیرد؟ آیا باید به‌راحتی اجازه دهند در امور ایران دخالت کنند و بعد هم بگویند کی بود کی بود؛ من نبودم؟! آیا دولت تدبیر می‌ترسد چنانچه جلوی این قبیل ملاقات‌ها گرفته شود، سفرهای غربی‌ها به ایران متوقف می‌شود؟ چرا دولت براحتی اجازه می‌دهد نامش به عنوان دولتی که اجازه داد استقلال ملی ایران مضحکه مشتی اپوزیسیون بی‌ارزش و حامی فتنه قرار گیرد، مطرح شود؟ اگر چنین روندی ادامه یابد، دولت، خود با بی‌تدبیری و بی‌فکری به غرب اجازه داده است بهانه آتی پس از حل احتمالی مسأله هسته‌ای را داشته باشد: «حقوق بشر».

دیدارهای اینچنینی با توجه به دروغ‌های شاخداری که ملاقات‌شوندگان به غربی‌ها می‌گویند راه را برای بازشدن پرونده حقوق بشری ایران؛ حتی پیش از بسته‌شدن پرونده هسته‌ای خواهد گشود. یا دولت، غربی‌ها را نمی‌شناسد یا آنقدر به آنها خوشبین است که خود دارد سپهر سیاسی ایران را برای جولان آنها و بهانه‌های‌شان آماده می‌کند. یعنی دولت به دست خود با موافقت با برگزاری این ملاقات‌های نامیمون دارد درِ تهمت و پس از آن فشار و از پی آن تحریم را به سوی کشور می‌گشاید. برنامه بعدی غربی‌ها بویژه هنگام آغاز گفت‌وگوی حقوق بشری که اینک دارند زمینه‌اش را آماده می‌کنند، تقاضای تعطیلی حدود و احکام الهی و اسلامی است و اگر ایران این خواست‌های اومانیستی را رد کند، با مجازات‌هایی مانند تحریم و تهدید مواجه خواهد شد. دولت باید هر چه سریع‌تر تسامح و لیبرالی برخورد کردن با طرف غربی را متوقف کند زیرا کشور و استقلال آن را که با خون ۳۰۰ هزار شهید به دست آمده با خطر جدی مواجه خواهد کرد. در عین حال، مجلس شورای اسلامی نیز در صورتی که این روند تداوم یابد، باید به وظیفه انقلابی ـ اسلامی خویش عمل کند و بدون تعارف و رودربایستی، به روند تذکرات و سؤالات بی‌فایده خاتمه داده و درصدد استیضاح و برکناری کسانی باشد که خشنودی غربی‌ها برای‌شان مهم‌تر و ارزشمندتر از استقلال ملی ایران است. دولت تدبیر، خوشبینانه تصور می‌کند اگر چهره‌ای از ایران در معرض دید اروپا و آمریکا بگذارد که باب میل آنها باشد، همه مشکلات حل می‌شود در حالی که آنها تا ندای اسلام ناب‌محمدی از کشور و ملت ما برمی‌خیزد، هیچگاه با ایران خوب نخواهند شد و وقتی با جمهوری اسلامی کنار می‌آیند که مانند پاکستان و افغانستان، تنها نام نظام، جمهوری اسلامی باشد.

■ قاب روز

عکس: AFP

آمریکا ـ انفجار در منهتن موجب کشته‌شدن حداقل ۸ نفر و زخمی شدن افراد زیادی شد

■ سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸ / تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ رئیس‌جمهور محترم که سخن از اعتدال می‌زنند و خود را هم حقوقدان می‌دانند، چطور افراطیون، برخی فتنه‌گران و حامیان فتنه ۸۸ را در دولت جای دادند؟! اینها ضربه‌شان به ایشان را دیر یا زود وارد خواهند کرد چون اصلا به نظام اسلامی اعتقاد ندارند، چه برسد به رئیس‌جمهور آن!!

هاتفی

■ در دولت جدید چه قبل از پیروزی رئیس‌جمهور محترم و چه بعد از آن، ایشان و برخی اعضای دولت‌شان به کنایه از سرهنگ و حقوقدان حرف می‌زنند؛ این مصداق بارز اهانت به یک قشر خاص است که از قضا وجود کشوری به نام ایران و مسؤولیت داشتن در آن از جمله مسؤولیت خطیر ریاست جمهوری، رهین جان‌فشانی‌های آنان است. بنده خودم نظامی هستم و اتفاقا سرهنگ ارتش نیز هستم و هم دوره پیش از انقلاب و هم بعد آن را دیده‌ام. در شأن یک مسؤول بلندپایه نظام نیست که خود و اعضای دولت‌شان اینگونه از لفظ سرهنگ استفاده کنند.

یک سرهنگ ارتشی خدمتگزار نظام و کشور

■ محاکمه سران فتنه ۸۸ را ان‌شاءالله در سال ۹۳ شاهد خواهیم بود تا این افرادی که این همه با پررویی تلاش می‌کنند آن افراد باغی و محارب را از استراحتگاه‌شان بیرون بیاورند ساکت شوند. به واقع کسانی که از آشتی ملی حرف می‌زنند، جواب خون شهدای سال فتنه را می‌توانند بدهند؟

سیاوش

■ یادداشت روز

هژمونی نازی‌ها در کی‌یف

ادامه از صفحه اول

در میدانی که تا همین چند هفته پیش سمبل آزادیخواهی اوکراینی‌ها تصویر می‌شد، امروز هیچ فعال چپ‌گرا یا ضدفاشیست جرأت نطق‌کشیدن ندارد. مردان سیاهپوش چماق و سلاح به‌دست از سه جریان اصلی ناسیونالیست افراطی، حزب اتحاد همه اوکراین (اسوبودا)، کنگره ملی‌گرایان اوکراین و بخش راست (نازی‌های غرب اوکراین) نه‌تنها پایتخت بلکه شهرهای اصلی را قرق کرده‌اند و درست به سبک ارتش هیتلر، مدام رژه می‌روند و سلام فاشیستی می‌دهند. در میدان استقلال به جای سلام و روزبخیر عبارت «اسلاوا اوکراینی» (به افتخار شکوه و عظمت اوکراینی) رد و بدل می‌شود.

با آنکه پارلمان کودتا، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را معرفی کرده است اما شبه‌نظامیان حاکم بر «میدان» فقط برای یک نفر هورا می‌کشند، «دمیترو یاروش» تروریستی که رهبر شاخه نظامی «بخش راست»، خطرناک‌ترین گروه نازی اوکراین است و سابقه جنگ با روس‌ها در چچن و همکاری مشترک با تروریست‌های القاعده در سوریه و عراق را دارد. اما امروز خانم «مارینا وایس‌باند» عضو کلیدی بنیاد «هاینریش بل» آلمان وقتی از اوضاع کی‌یف گزارش می‌دهد، می‌گوید «نئونازی ها نقش کم‌اهمیتی در اوضاع کی‌یف دارند. در میدان تقریبا اثری از آنها ندیدم».

شاید حق با او باشد، چون نئونازی‌های مزبور همه نقاب بر چهره دارند اما نقاب بزرگ‌تر را وایس‌باند و همکارانش در بنیاد «هاینریش بل» بر چهره نئونازی‌هایی زده‌اند که در اصل از دل کمپین آزادیخواهانه مورد حمایت این بنیاد به قدرت رسیده‌اند. حال آرم «قلاب گرگ» که یادآور «صلیب شکسته» نازی است در و دیوار کی‌یف را پر کرده است اما غربی‌ها کماکان نمی‌خواهند نازی‌ها را ببینند.

«هاینریش بل» بنیادی است که سبزهای آلمان برای اصلاحات سیاسی در قالب شبکه‌ای بین‌المللی به‌راه انداخته‌اند و مثل دیگر خواهرخوانده‌های غربی‌اش شعار دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت بر سرنوشت خود و عدالت را در هر جایی جز اتحادیه اروپایی، آمریکا و انگلیس سر می‌دهند.

این خواهرخوانده‌های حقوق‌بشر دوست با سرمایه‌گذاری کارتل‌های مالی و نفتی خاندان‌های صهیونیست برنامه وسیع «دخالت دموکراتیک» را در بسیاری کشورها دنبال می‌کنند. بخش اعظم سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری برای کودتای نازی‌ها و غربگرایان در اوکراین را شرکت‌های نفتی مثل «شورون» و صندوق جهانی پول (به عنوان زیرمجموعه صندوق فدرال آمریکا) تامین کرده‌اند. بنیاد «هاینریش بل» و بنیادهای حقوق‌بشری دیگر آلمان مثل بنیادهای دوقلوی «استیفتونگ» و همچنین «رابرت شومان» در جبهه جنگ فاشیستی غرب در اوکراین جزو فعال‌ترین‌ها بوده‌اند چرا که این منطقه حوزه نفوذ سنتی ژرمن‌ها بوده است و تجربه نازیسم را هیچ‌کسی نمی‌توانست به خوبی آلمان‌ها به اوکراینی‌ها منتقل کند. اما در ابعاد بزرگ‌تر آنها صرفا موسساتی اقماری هستند برای بنیاد «ملی تایید دموکراسی» (NED) که یک لابی قدرتمند وابسته به سنای آمریکاست و مهملی برای دخالت نومحافظه‌کاران در امور دیگر کشورها. سناتور جان مک‌کین به نمایندگی از همین بنیاد در متن شورش‌های میدان استقلال کی‌یف حاضر شد. NED نقش رهبری بنیادهای اقماری مشابهی در اروپا و آمریکا دارد. از جمله بنیاد وست‌مینیستر برای دموکراسی(بریتانیا)، بنیاد ژان ژاوره(فرانسه)، مرکز بین‌المللی برای حقوق بشر و توسعه دموکراتیک(کانادا)، بنیاد آلفرد موزر(هلند) و... هاینریش بل و استیفتونگ. این دستگاه‌های حقوق‌بشری هستند که در خط مقدم صدور نئولیبرالیسم (خواه با میل ملت‌ها و خواه با زور انقلاب‌های مخملی و کودتا و جنگ) قرار دارند. چرا که دیگر کشورها را با استانداردهای غربی مزورانه و دوگانه خویش می‌سنجند و بدیهی است ملت‌ها و سیستم‌های حکومتی مختلف با هم متفاوتند. این تفاوت‌ها توسط بنیادهای حقوق‌بشری دستاویزی برای دخالت محسوب می‌شوند.

به این ترتیب آنهایی که امروز نازی‌ها را در اوکراین نمی‌بینند، چند صباحی دیگر همین صلیب شکسته‌ها را بهانه‌ای برای لشکرکشی به نام حقوق‌بشر به سرحدات دشمن دیرین‌شان، روسیه قرار خواهند داد.

■ آنم آرزوست/ ۱۳۲

بیداری

■ حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدسعید لواسانی

ما همگی نیازمند تحول اخلاقی هستیم تا از نفسانیت به انسانیت حرکت کنیم. خوب است که در آخرین یادداشت سال جاری که مصادف با روز شهادت بانوی دو عالم است، توسل به حضرت صدیقه طاهره(س) داشته باشیم و با گام‌های راستی، همه توان خود را برای تحول اخلاقی به کار بریم. امام صادق(ع) می‌فرمایند: اگر حاجتی داشتی به حضرت فاطمه پناهنده شو و نماز بخوان و از بی‌بی درخواست کن که به فریاد من برس و مرا یاری بفرما. [بحارالانوار: ۳۰/۹۱] اما اهل معرفت نخستین گام تحول اخلاقی را بیداری از خواب غفلت می‌دانند، [خواجه عبدالله انصاری، منازل السائرین: ۳۵] و سخن خود را به آیه ۴۶ سوره مبارکه سبأ مستند می‌کنند: «**قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ**» «پیامبر ما به بندگان من بگو که شما را تنها یک اندرز دهم، برای خدا قیام کنید.» به آیه توجه کنیم که اندرزدهنده خداست، پیامبر اکرم(ص) واسطه پند هستند و ما انسان‌ها مورد خطاب. تنها یک اندرز است که همه اندرزها و دستورالعمل‌های دیگر به آن بستگی دارد و آن اینکه از خواب گران غفلت و نفسانیت بیدار شوید و تنها برای خدا قیام کنید، یعنی همه کارهای‌تان فقط برای خدا و تقرب به خدا باشد، نه خوشایند این و آن و خوشنودی نفس و هواهای نفسانی. این بیداری آسان نیست و همت مردانه می‌خواهد زیرا خواب و مستی غفلت سخت‌تر و بدتر از مستی شراب و اعتیاد به مواد مخدر است. «**سُكْرُ الْغَفْلَه وَ الْغُرُور أَبْعَدُ إِفَاقَه مِنْ سُكْرِ الْخُمُورِ**» [غرر الحکم: ۲۶۶] بنابراین بیدار شدن از آن هم نیاز به جهاد و تلاش بیشتری دارد. آری همه انقلاب‌ها با بیداری شروع می‌شود و انقلاب و تحول اخلاقی و درونی هم با بیداری آغاز می‌شود. انسان یک قیام دارد تا از خواب بیدار شود و یک قیام دارد که وقتی بیدار شد، راه پیش‌رو را تداوم بخشد و ما که در بند نفسانیت و مستی دنیا به خواب غفلت رفته‌ایم، لازم است از خواب نفسانیت بیدار شویم و این نخستین گام است و در ادامه راه، قیام دوم است که برای رفتن به اهداف الهی و مسیر الی‌الله در حرکتی مدام باشیم و این حرکت تنها با قیام اختیاری لله امکان می‌یابد. یعنی تنها در سایه تحول دائمی اخلاقی و مجاهده پیوسته با نفس حاصل می‌شود. آنگاه است که بهروزی دنیویی و سعادت و آرامش آخروی را کسب می‌کنیم. انقلاب اسلامی نمونه اعلای قیام لله یک ملت بود که از بند نفسانیت رها شدند و در ادامه خود را از بند استبداد و استعمار و استکبار رها کردند و چنان عزیز شدند که همه استکبار را به تکاپو واداشتند. انقلاب اسلامی با جهاد و قیام لله تحقق یافت و تحول و انقلاب اخلاقی هم با جهاد با نفس و قیام لله تحقق می‌یابد. [نگا: صحیفه امام: ۲۴۲/۱۸ ـ ۲۴۴]

پس زمینه لازم تحول اخلاقی بیداری از خواب غفلت است. زیرا به قلب آدمی بصیرت می‌دهد. «الیقظه استبصار». [غرر الحکم: ۴۴۸] بنابراین نباید عمر خود را تباه کنیم و باید اوقات را غنیمت شمریم و جبران گذشته‌ها کنیم و مسیر را برای بازگشت به خدا هموار کنیم. بیداری شهسوار راهواری است که تا پایان راه با ما است و بصیرتی می‌بخشد که تا نهایت راه را بپیماییم و در راه نمانیم. با بیداری است که هواهای نفسانی را در بند می‌کنیم و به عقل و ایمان اجازه بروز و ظهور می‌دهیم و تاریکی‌ها، فساد، نادانی و تباهی را پشت سر می‌گذاریم و وارد نور توحید و بندگی خدا می‌شویم. اگرنه مرگ ما را بیدار می‌کند که این بیداری بسیار سخت است. امیرالمومنین(ع) می‌فرمایند: «النَّاسُ نیامٌ» [بحارالانوار: ۴۳/۴] همه مردم خوابند اما چاره‌ای از بیداری نیست. این بیداری در یکی از دو وقت است: یا با مرگ بیدار می‌شوند: «**النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا**» [همان] یا در دنیا با اندرز الهی و قیام لله و تحول اخلاقی و انقلاب درونی بیدار می‌شود [القاسانی، شرح منازل السائرین: ۱۴۹] و این همان بیداری است که نخستین گام است که راهگشای هرگونه تحول مثبت است. [صحیفه امام: ۴۵۳/۱۸] تا ما در خواب هستیم، دل‌های ما مست دنیاست و زنگار گناهان آن را آلوده کرده، امیدی به اصلاح نباید داشته باشیم اما اگر بدانیم در دنیا مسافر هستیم، ابد در پیش داریم و عالمی دیگر در انتظار ما است که در آنجا گرفتار اعمال و رفتار خود هستیم، لابد بیدار و هوشیار می‌شویم. پس بیاییم در روزی که به نام حضرت صدیقه کبری(س) است. در این پایان سال با دعای «**يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ**» [مصباح المتهجد: ۸۳/۱] و «**يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ**» [مفاتیح الجنان] نیت خود را خالص کنیم و گام نخست را برداریم و بیدار شویم و خودمان را اصلاح کنیم. «**يَا مَوْلَاتِي فَاطِمَه أَغِيثِينِي**».

آب‌وهوا

اراک	۲۱ / ۵	زنجان	۱۸ / ۱
اردبیل	۱۷ / ۲-	ساری	۱۷ / ۹
ارومیه	۱۸ / صفر	سمنان	۲۰ / ۹
اصفهان	۲۳ / ۹	سنندج	۲۱ / ۱
اهواز	۳۴ / ۱۹	شهرکرد	۱۷ / ۳-
ایلام	۲۲ / ۱۱	شیراز	۲۴ / ۷
بجنورد	۱۳ / ۰	قزوین	۲۰ / ۲
بندرعباس	۲۹ / ۱۹	قم	۲۴ / ۸
بوشهر	۳۵ / ۱۹	کرج	۲۰ / ۶
بوموسی	۳۸ / ۲۸	کرمان	۲۰ / ۱
بیرجند	۲۲ / ۱	کرمانشاه	۲۱ / ۶
تبریز	۱۸ / ۵	گرگان	۱۳ / ۶
تهران	۲۰ / ۱۰	مشهد	۱۵ / ۲
خرم‌آباد	۲۴ / ۷	همدان	۱۹ / ۱
رشت	۱۱ / ۵	یاسوج	۲۱ / ۷
زاهدان	۲۴ / ۸	یزد	۲۴ / ۱۳

تقویم امروز

■ **شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) «به‌روایتی» (۱۱ق)**

روز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) مورد اختلاف مورخان است و یکی از این موارد، سیزدهم جمادی‌الاول می‌باشد. فاطمه(س) پس از پدر بزرگوار خود، روز به روز بدنش رو به ضعف و سستی می‌گرایید. پیوسته سوخته‌دل و اشک‌ریزان بود و در فراق پدر می‌گریست. پس از رحلت پیامبر و در ماجرای غصب خلافت که به فرمان خدا و ابلاغ نبی مکرم حق امیرالمومنین علی علیه‌السلام بود، غاصبان قصد کردند تا از امام علی(ع) بیعت بگیرند که در این مسیر حضرت زهرا(س) مخالفت کرده و به آتش کشیده شدن در خانه آن حضرت و وقایع بعدی انجامید. حضرت زهرا(س) پس از رحلت رسول خدا(ص) از مردم آزار بسیار دید. به خانه‌اش هجوم برده و کودکش را سقط کردند. در اثر ضرباتی که به آن حضرت وارد شد، حضرت زهرا(س) این نور چشم پیامبر و پاره تن رسول خدا، پس از تحمل روزها بیماری، به پدر بزرگوار خود، ملحق گشت. به وصیت آن حضرت، محل دفن وی مخفی می‌باشد.

■ **انفجار بمب در مراسم نماز جمعه تهران توسط منافقین کوردل (۱۳۶۳ش)**

در زمانی که رژیم بعث، مردم را از رفتن به نماز جمعه برحذر می‌داشت و به بمباران و موشک‌باران نماز جمعه تهدید می‌کرد، منافقان نیز بیکار ننشسته و با یک طرح از قبل تعیین شده و هماهنگ با رژیم عراق، نماز جمعه تهران را در ۲۴ اسفند ۶۳ به خاک و خون کشیدند. در این جنایت ۱۴ نفر شهید و ۸۸ نفر مجروح شدند. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان در مقام ریاست جمهوری و امامت جمعه تهران در حال ایراد خطبه‌های نماز بودند، پس از انفجار بمب، با صلابت و بدون هیچگونه تزلزلی به خطبه‌هایشان ادامه دادند و این امر موجب تقویت روحیه ضداستکباری نمازگزاران و امت شهیدپرور ایران گردید.

■ **کشته شدن «ابراهیم بن مالک اشتر» در نبرد با خاندان اموی (۷۱ ق)**

ابراهیم فرزند مالک اشتر نخعی، هنگام قیام مختار بن ابوعبیده ثقفی برای خونخواهی امام حسین(ع) با او بود و در سال ۶۷ ق به سرداری لشکر منصوب گردید. ابراهیم از طرف مختار، مأمور تصرف موصل شد و سپاه شام را که از طرف خلیفه اموی آمده بود، شکست داد. او عبیدالله‌بن زیاد، حاکم کوفه در زمان واقعه کربلا را به قتل رساند و تعدادی از کشندگان امام حسین(ع) و یاران او را از دَم تیغ گذراند. ابراهیم بن مالک با دستگیری و قتل مُختار توسط مصعب بن زبیر، به مصعب پیوست و به دولت ابن زبیر خدمت کرد. سرانجام، هنگامی که عبدالملک بن مروان، خلیفه اموی، لشکری برای نبرد با سپاه ابن زبیر به عراق فرستاد، ابراهیم بن مالک در این جنگ کشته شد.

■ **وفات محقق حلی، دانشمند جلیل‌القدر (۶۷۶ق)**

افرادی که در رشته‌های مختلف علوم به بررسی و پژوهش عمیق پرداخته و در این راه رنج بسیار کشیده و درنتیجه، نوآوری‌ها و ابتکاراتی داشته‌اند را محقق می‌نامند. نخستین‌بار که اصطلاح محقق در علوم اسلامی متداول شد و اولین شخصیتی که لقب محقق گرفت، استاد بزرگ و فقیه عظیم‌الشأن، ابوالقاسم جعفربن حسن معروف به محقق حلی بود. وی در سال ۶۰۲ هجری قمری در شهر حله آن‌هنگام که کشور اسلامی، رنج فاجعه‌ها و بلاهای دولت عباسی و همچنین خرابی‌ها و ویرانی‌های مغول را با شدت و سختی تحمل می‌کرد، چشم به جهان گشود. کتاب «شرایع» زنده‌ترین و ارزنده‌ترین اثری است که از محقق حلی به یادگار مانده و در تاریخ جاوید خواهد ماند. با الفاظی کم و عباراتی شیوا و سبکی روان و نظم و ترتیبی بی‌سابقه و خلاصه روشی جالب و جدید در فقه، محقق حلی این کتاب نفیس را نوشت و مجموعه ابواب فقه را زیر چهار عنوان قرار داد: ۱- عبادات ۲- عقود ۳- ایقاعات ۴- احکام. ۴۸ کتاب فقهی به‌طور تفصیل در این چهار عنوان آمده و کلیات مسائل مربوط به اینها را محقق در «شرایع» جمع‌آوری کرده است. این کتاب از آن زمان تاکنون همواره مورد توجه و علاقه فقها و مجتهدین بوده است. شیخ جعفربن شیخ حسن حلی معروف به «محقق حلی»، سرانجام پس از ۷۴ سال تلاش بی‌وقفه در راه خدمت به اسلام و مسلمین و ترویج احکام آل‌محمد (ص)، در سال ۶۷۶ هجری قمری چشم از جهان فانی فروبست و زندگی جاویدان را آغاز کرد.